



The Jurisprudential and Legal Legitimacy of Parliamentary Obstruction as a Tool of Political Protest in the Deliberative Institutions of the Islamic Republic of Iran*

Ali Akbar Izadi Fard¹

Ali Akbar Jahani²

Mahdi Norouzi³

1. Professor of Jurisprudence and Law, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran
(Corresponding Author).

ezadifard@umz.ac.ir.com

2. Associate Professor, Faculty of Theology, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.
aajahani@umz.ac.ir

3. Ph.D. Candidate, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.
mhdyn1572@gmail.com

Abstract

Parliamentary obstruction, as one of the tools available to parliamentary minorities for exerting influence over and affecting the legislative process, has always occupied a boundary between the legitimate right to protest and institutionalized obstructionism. This political-legal practice, which takes the form of lawful actions intended to delay, modify, or halt bills and legislative proposals, raises fundamental questions concerning the limits and scope of its legitimacy not only in democratic systems but also in political structures based on Islamic governance. In the Islamic Republic of Iran, where parliamentary representation simultaneously entails

* **Cite this Article:** Izadi Fard, A. A. & Jahani, A. A. & Norouzi, M. (2026). The Jurisprudential and Legal Legitimacy of Parliamentary Obstruction as a Tool of Political Protest in the Deliberative Institutions of the Islamic Republic of Iran. *Jurisprudence and Politics*, 7(1), pp. 247-283.
<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75591.1143>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2025/08/04 • **Revised:** 2025/12/08 • **Accepted:** 2026/02/07 • **Published online:** 2026/03/29

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



representing the people, acting as their legal agent, and fulfilling a religious trust (*amanah*), the issue of parliamentary obstruction becomes more complex. On the one hand, the Constitution and the internal regulations of the Parliament provide a framework for political protest and minority oversight; on the other hand, the necessity of preserving the integrity of the political system, safeguarding the public interest, and complying with Islamic principles challenges any disruptive action. This tension makes it increasingly necessary to formulate a coherent framework capable of recognizing the right to parliamentary oversight while preventing the abuse of legal mechanisms. Moving beyond a purely descriptive approach, this article seeks to provide a structured analysis of parliamentary obstruction at three levels: Iran's political history, jurisprudential foundations, and the existing legal system. The central research question is: Based on the teachings of Imamiya jurisprudence and the enacted laws of the Islamic Republic of Iran, how should the limits of the legitimacy of parliamentary obstruction be defined, and is it possible to propose a graduated model for assessing its degree of legitimacy? To answer this question, the study employs a descriptive-analytical methodology and draws on library sources, parliamentary documents, and jurisprudential opinions. It is organized into four sections. The first examines the historical roots of this phenomenon in Iran; the second analyzes the jurisprudential arguments supporting and restricting its legitimacy; the third examines the legal status of parliamentary obstruction under existing legislation and the Parliament's internal regulations; and finally, the fourth section integrates the preceding findings and proposes the theory of graduated legitimacy as a framework for determining the limits of legitimate parliamentary obstruction.

Keywords

Parliamentary Obstruction; Legislature; Jurisprudential Foundations; Legal Foundations; Internal Regulations of Parliament.



المشروعية الفقهية والقانونية لإسقاط النصاب القانوني بوصفه أداة للاعتراض السياسي في المؤسسات الشورية للجمهورية الإسلامية الإيرانية*

علي أكبر ايزدي فرد^١ علي أكبر جهاني^٢ مهدي نوروزي^٣

١. أستاذ الفقه والحقوق، جامعة مازندران، مازندران، إيران (الكاتب المسؤول).

ezadifard@umz.ac.ir.com

٢. أستاذ مشارك، كلية الإلهيات، جامعة مازندران، مازندران، إيران.

aajahani@umz.ac.ir

٣. طالب الدكتوراه، جامعة مازندران، مازندران، إيران.

mhdyn1572@gmail.com

الملخص

تظل ظاهرة إسقاط النصاب القانوني (Obstruction)، بوصفها إحدى أدوات الأقلية البرلمانية لممارسة النفوذ والتأثير في عملية سن القوانين، على الدوام واقعةً على الحد الفاصل بين حق الاعتراض المشروع والعرقلة الممنهجة. ويمثل هذا الفعل السياسي - القانوني، في اتخاذ إجراءات قانونية بهدف تأخير المشاريع واللوائح أو تغييرها أو وقفها، لا يواجه تساؤلات جوهرية بشأن حدود مشروعيتها ونطاقه في الأنظمة الديمقراطية فحسب، بل يواجهها أيضاً في البنى القائمة على الحاكمية الإسلامية. وفي نظام الجمهورية الإسلامية الإيرانية، حيث تضطلع النيابة البرلمانية في آن واحد بمهمة الوكالة عن الشعب والأمانة الشرعية، تكتسب مسألة إسقاط النصاب القانوني أبعاداً أكثر تعقيداً.

* الاستناد إلى هذه المقالة: ايزدي فرد، علي أكبر؛ جهاني، علي أكبر؛ نوروزي، مهدي. (٢٠٢٦). المشروعية الفقهية والقانونية لإسقاط النصاب القانوني بوصفه أداة للاعتراض السياسي في المؤسسات الشورية للجمهورية الإسلامية الإيرانية. الفقه والسياسة، ٧(١)، صص ٢٤٧-٢٨٣.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75591.1143>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٥/٠٨/٠٤ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/١٢/٠٨ • تاريخ القبول: ٢٠٢٦/٠٢/٠٧ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٦/٠٣/٢٩

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

فمن جهة، تتيح مبادئ الدستور والنظام الداخلي لمجلس الشورى الإسلامي مجالاً للاعتراض والرقابة من جانب الأقلية، ومن جهة أخرى، تضع ضرورة الحفاظ على تماسك النظام، والمصالح العامة، ومراعاة الضوابط الشرعية، أي إجراء ينطوي على الإخلال بسير العمل أمام تحديات جوهرية.

يكشف هذا التقابل، بصورة أكثر وضوحاً، عن ضرورة وضع إطار متماسك يمكنه، في الوقت نفسه، الاعتراف بحق الرقابة البرلمانية والحيلولة دون إساءة استخدام الأدوات القانونية. وتتجاوز هذه المقالة النظرة الوصفية المجردة، وتسعى إلى تقديم تحليل منظم لإسقاط النصاب القانوني على ثلاثة مستويات: التاريخ السياسي لإيران، والأسس الفقهية، والنظام القانوني القائم.

تمثل السؤال المحوري للبحث في الآتي: كيف تُحدّد حدود مشروعية الامتناع التعطيلي البرلماني استناداً إلى تعاليم الفقه الإمامي والقوانين النافذة في الجمهورية الإسلامية الإيرانية؟ وهل يمكن تقديم نموذج متدرج لقياس درجة مشروعيتها؟ وللإجابة عن هذا السؤال، انتظم البحث الحالي، وفق منهج تحليلي - وصفي وبلاستناد إلى المصادر المكتوبة، والوثائق البرلمانية، والآراء الفقهية، في أربعة أقسام منظمة: يتناول القسم الأول التأصيل التاريخي لهذه الظاهرة في إيران؛ ويبحث القسم الثاني الأدلة الفقهية المؤيدة لمشروعيتها والمعارضة لها؛ ويحلل القسم الثالث المكانة القانونية لإسقاط النصاب القانوني في القوانين والنظام الداخلي لمجلس الشورى الإسلامي، وأخيراً، يقدم القسم الرابع، من خلال دمج النتائج السابقة، نظرية المشروعية المتدرجة بوصفها إطاراً لتحديد حدود المشروعية.

الكلمات المفتاحية

إسقاط النصاب القانوني، السلطة التشريعية، الأسس الفقهية، الأسس القانونية، النظام الداخلي لمجلس الشورى الإسلامي.



مشروعیت فقهی و حقوقی آبستراکسیون به عنوان ابزار اعتراض سیاسی

در نهادهای شورایی جمهوری اسلامی ایران*

علی اکبر ایزدی فرد^۱ علی اکبر جهانی^۲ مهدی نوروزی^۳

۱. استاد. فقه و حقوق. دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول).

ezadifard@umz.ac.ir

۲. دانشیار، دانشکده الهیات. دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

aajahani@umz.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

mhdyn1572@gmail.com

چکیده

پدیده آبستراکسیون^۱ به عنوان یکی از ابزارهای اقلیت پارلمانی برای اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر فرآیند قانونگذاری، همواره در مرز میان حق اعتراض مشروع و کارشکنی نهادینه قرار داشته است. این کنش سیاسی-حقوقی که در قالب اقدامات قانونی اما با هدف تأخیر، تغییر یا توقف طرح‌ها و لوایح انجام می‌گیرد، نه تنها در نظام‌های دموکراتیک، بلکه در ساختارهای مبتنی بر حاکمیت اسلامی نیز با پرسش‌های بنیادینی در خصوص حدود مشروعیت و قلمرو آن مواجه است. در نظام جمهوری اسلامی ایران که در آن نمایندگی مجلس، وکالت از مردم و امانتداری شرعی را همزمان بر عهده دارد، مسئله آبستراکسیون ابعادی

* استناد به این مقاله: ایزدی فرد، علی اکبر؛ جهانی، علی اکبر؛ نوروزی، مهدی. (۱۴۰۵). مشروعیت فقهی و حقوقی آبستراکسیون به عنوان ابزار اعتراض سیاسی در نهادهای شورایی جمهوری اسلامی ایران. فقه و سیاست، ۱۷(۱)، صص ۲۴۷-۲۸۳.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75591.1143>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۰۹

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights

1. Obstruction



<http://ijp.isca.ac.ir>

پیچیده‌تر می‌یابد. از یک سو، اصول قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس، فضایی برای اعتراض و نظارت اقلیت فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، ضرورت حفظ انسجام نظام، مصالح عمومی و رعایت موازین شرعی، هرگونه اقدام اخلاف گرایانه را به چالش می‌کشد. این تقابل، لزوم تدوین چارچوبی منسجم را که هم‌زمان بتواند حق نظارت پارلمانی را به رسمیت شناخته و از سوءاستفاده از ابزارهای قانونی جلوگیری کند، بیش از پیش آشکار می‌سازد. این مقاله با عبور از نگاه توصیفی صرف، در پی ارائه تحلیلی ساختاریافته از آبنسراسیون در سه سطح تاریخ سیاسی ایران، مبانی فقهی و نظام حقوقی موجود است. پرسش محوری آن این است: براساس آموزه‌های فقه امامیه و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، حدود مشروعیت آبنسراسیون پارلمانی چگونه تعریف می‌شود و آیا می‌توان الگویی پلکانی برای سنجش درجه مشروعیت آن ارائه داد؟ در پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر با روشی تحلیلی-توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، اسناد پارلمانی و آرای فقهی، در چهار بخش سازمان‌یافته است: بخش اول به ریشه‌یابی تاریخی این پدیده در ایران می‌پردازد؛ بخش دوم ادله فقهی موید و مانع مشروعیت را بررسی می‌کند؛ بخش سوم جایگاه حقوقی آبنسراسیون در قوانین و آیین‌نامه مجلس را تحلیل می‌نماید؛ و در نهایت، بخش چهارم با تلفیق یافته‌های پیشین، نظریه مشروعیت پلکانی را به‌عنوان چارچوبی برای تعیین حدود مشروعیت ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

آبنسراسیون، قوه مقننه، مبانی فقهی، مبانی حقوقی، آیین‌نامه داخلی مجلس.

۱. بیان مسئله

واژه آبستراکسیون (obstruction) ریشه در زبان لاتین دارد (Partridge, E, 2006, p. 446) در لغت‌نامه‌های معتبر انگلیسی، این واژه به معنای مانع تراشی، سد کردن راه، ایجاد مانع در مسیر جریان عادی امور و کارشکنی تعریف شده است (Oxford English Dictionary, 2023). در فارسی، معادل‌های متعددی از جمله: مانع تراشی پارلمانی، کارشکنی پارلمانی و انسداد پارلمانی برای این مفهوم پیشنهاد شده است. با این حال، در ادبیات حقوقی ایران، اصطلاح آبستراکسیون به عنوان یک واژه تخصصی و بدون ترجمه رایج‌تر است (قاضی، ۱۳۹۸، ص ۳۴۵). در اصطلاح، آبستراکسیون به مجموعه اقدامات عمدی و سازمان‌یافته‌ای اطلاق می‌شود که توسط یک یا چند نماینده (معمولاً از جریان اقلیت) با هدف به تأخیر انداختن، تغییر مسیر دادن، مشروط کردن یا در نهایت متوقف ساختن فرآیند تصویب یک طرح یا لایحه در مجلس قانون‌گذاری صورت می‌گیرد، به شرط آنکه این اقدامات در چارچوب ظاهری مقررات آیین‌نامه داخلی مجلس انجام شود (Binder, 1997, p. 23).

پدیده آبستراکسیون به عنوان یکی از ابزارهای اقلیت پارلمانی برای اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر فرآیند قانون‌گذاری، همواره در مرز میان حق اعتراض مشروع و کارشکنی نهادینه قرار داشته است. ضرورت حفظ انسجام نظام، مصالح عمومی و رعایت موازین شرعی، هرگونه اقدام اخلاف‌گرایانه را به چالش می‌کشد. این تقابل، لزوم تدوین چارچوبی منسجم را که هم‌زمان بتواند حق نظارت پارلمانی را به رسمیت شناخته و از سوءاستفاده از ابزارهای قانونی جلوگیری کند، بیش از پیش آشکار می‌سازد. حدود مشروعیت آبستراکسیون پارلمانی چگونه تعریف می‌شود و آیا می‌توان الگویی پلکانی برای سنجش درجه مشروعیت آن ارائه داد؟ تمایز آبستراکسیون با ۴ مؤلفه قابل تشخیص است؛ قصد و نیت: اقدام باید عمدی و با هدف خاصی صورت گیرد؛ بنابراین، غیبت اتفاقی یا رأی ممتنع ناخواسته را نمی‌توان آبستراکسیون نامید (Wawro, 2006, p. 41). ابزار و روش: اقدام باید در قالب یکی از ابزارهای مصوب آیین‌نامه داخلی مانند سخنرانی طولانی، ارائه پیشنهادهای اصلاحی متعدد، ارجاع به کمیسیون، عدم حضور در

جلسه رأی‌گیری و رأی‌ممتنع جمعی باشد (Smith, 2020, p. 67). تأثیر و نتیجه: هدف نهایی، تأخیر، تغییر یا توقف فرآیند تصمیم‌گیری است. هرچند گاهی آبستراکسیون موفق می‌شود و گاهی شکست می‌خورد، اما تنها قصد تأثیرگذاری بر روند، برای تشخیص آن کافی است (Dahl, 1956, p. 32). مشروعیت ظاهری: اقدام باید از نظر شکلی منطبق بر آیین‌نامه باشد، هرچند ممکن است از نظر ماهوی یا اخلاقی محل مناقشه باشد (قاضی، ۱۳۹۸، ص ۳۴۸). به صورت کلی می‌توان این عمل را بهره‌گیری از روزه‌های قانونی برای فلج سازی اراده اکثریت نامید (رضایی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۷۸).

بررسی انواع آبستراکسیون از آن جهت مهم است که از یک سو، اصول قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس، فضایی برای اعتراض و نظارت اقلیت فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، ضرورت حفظ انسجام نظام، مصالح عمومی و رعایت موازین شرعی، هرگونه اقدام اخلاف گرایانه را به چالش می‌کشد.

۲. پیشینه تاریخی آبستراکسیون در مجلس ایران

بررسی تاریخی آبستراکسیون در ایران نشان می‌دهد که این پدیده، اگرچه با اصطلاحات امروزی شناخته نمی‌شده، اما به اشکال مختلف در تقابل‌های پارلمانی حضوری پیوسته داشته است. در دوره مشروطه (۱۲۸۵-۱۳۰۴ ش) با گشایش مجلس اول، عرصه جدیدی برای تقابل سیاسی گشوده شد. در غیاب آیین‌نامه‌ای مدون و فرهنگ نهاده شده پارلمانی، نخستین جلوه‌های آبستراکسیون بیشتر شبیه به اخلاف در نظم یا امتناع ساده بود. برای نمونه، در مجلس اول، هنگام بررسی متمم قانون اساسی، برخی نمایندگان مشروعه‌خواه با استناد به مخالفت شرعی، با ترک جلسه یا امتناع از رأی‌گیری سعی در به حد نصاب نرساندن آراء داشتند (کسروی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۴۵). در مجلس دوم نیز درگیری‌های فرقه‌ای بین دموکرات‌ها و اعتدالیون گاه به تحریم جلسات توسط یک جناح منجر می‌شد (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۱۲). این دوره بیشتر شاهد آبستراکسیون منفعل (عدم حضور) و کمتر شاهد تاکتیک‌های پیچیده‌ای مانند فلیباستر بود.

در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷)، به دلیل ماهیت استبدادی و کنترل شدید حکومت بر مجالس، فضای چندانی برای مانور پارلمانی و استفاده از ابزارهای آبنسراسیون وجود نداشت. مجالس عملاً فرمایشی بودند و نقش تصویب‌کننده تصمیمات از پیش گرفته شده را ایفا می‌کردند. تنها در مقاطعی کوتاه و نسبتاً آزاد، مانند مجلس چهاردهم (۱۳۲۳-۱۳۲۶)، شاهد نمونه‌هایی از مقاومت پارلمانی هستیم. در این مجلس، نمایندگان جبهه ملی و برخی مستقلین، با استفاده از نطق‌های طولانی و ارائه پیشنهادها اصلاحی متعدد، کوشیدند روند تصویب قراردادهای نفتی مورد نظر دولت (مانند قرارداد گس-گلشایان) را به تأخیر بیندازند (آبراهامیان، ۱۳۸۹، ص ۲۸۷). این اقدامات را می‌توان نمونه‌ای اولیه از آبنسراسیون فعال و تاکتیکی در تاریخ پارلمان ایران دانست. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مجالس به‌طور کامل مطیع شدند و تا انقلاب اسلامی، آبنسراسیون معنای واقعی خود را از دست داد.

پس از انقلاب اسلامی، با تدوین قانون اساسی و به رسمیت شناخته شدن استقلال نماینده، رفتارهای شبه آبنسراسیونی از حالت صنفی خارج شده و به ابزاری تاکتیکی در رویه پارلمانی تبدیل گردید. در مجلس اول (۱۳۵۹-۱۳۶۳)، درگیری‌های ایدئولوژیک بین جناح خط امام (اکثریت) و ملی‌مذهبی‌ها (اقلیت) گاه به تنش‌های پارلمانی انجامید. در جریان بررسی لایحه قصاص، مخالفان با استناد به مغایرت احتمالی با موازین شرع، سعی در به تأخیر انداختن تصویب آن از طریق نطق‌های مفصل و درخواست‌های مکرر برای ارجاع به نهادهای فقهی داشتند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۵۶). این نمونه، آبنسراسیون را با انگیزه اعتراضی و شرعی نشان می‌دهد. در مجلس چهارم (۱۳۷۱-۱۳۷۵)، جناح راست پارلمان (مانند جمعیت مؤتلفه اسلامی) به عنوان اقلیت، برای کند کردن یا تعدیل لوایح اقتصادی دولت سازندگی، از ابزارهای آیین‌نامه‌ای مانند ارائه پیشنهادها اصلاحی بسیار زیاد برای یک لایحه استفاده می‌کردند، به گونه‌ای که ثبت بیش از صد پیشنهاد اصلاحی برای یک ماده واحد، عملاً روند تصمیم‌گیری را روزها متوقف ساخت (سجادی، ۱۳۹۶، ص ۱۸). این یک نمونه کلاسیک از آبنسراسیون فعال و تاکتیکی است.

در مجلس ششم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، با اکثریت یافتن جناح اصلاح طلب، نقش‌ها معکوس شد. اصولگرایان به عنوان اقلیت، از ابزارهای مختلفی برای مقابله با لویح دولت خاتمی استفاده کردند. در جریان بررسی لایحه اصلاح قانون مطبوعات، آنها با درخواست‌های مکرر برای ارجاع به کمیسیون، تذکرهای پیاپی و نطق‌های طولانی، روند تصویب را بشدت کند کردند (رحیمی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۲-۱۱۳). این دوره، اوج استفاده از ابزارهای آیین‌نامه‌ای برای آبستراکسیون سیستماتیک بود. در مجالس نهم و دهم (۱۳۹۱-۱۳۹۹)، اقلیت اصلاح طلب یا اعتدال‌گرا از تاکتیک‌های مشابهی استفاده می‌کردند. یک نمونه برجسته، بحث بر سر لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) بود. مخالفان با ارائه فهرست بلندی از پیشنهادها اصلاحی و بیان نگرانی‌های امنیتی و حاکمیتی، روند تصویب را ماه‌ها به تأخیر انداختند (زمانی، ۱۳۹۸، صص ۷۹-۷۸). در مجلس یازدهم (از ۱۴۰۰ تاکنون)، گاه شکاف‌های درون‌جناحی منجر به رفتارهای شبه آبستراکسیونی شده است. برای مثال، در بررسی لایحه عفاف و حجاب در سال ۱۴۰۲، برخی نمایندگان میانه‌روتر یا منتقد، با ایراد نطق‌های مفصل درباره پیامدهای اجتماعی قانون، کوشیدند فضای بحث را تغییر دهند و احتمالاً بر محتوای نهایی تأثیر بگذارند (احمدی، ۱۴۰۲، صص ۵۷-۵۶). این نمونه نشان می‌دهد آبستراکسیون می‌تواند حتی در درون یک جناح اکثریت نیز با انگیزه تعدیل‌گرایانه رخ دهد.

بررسی این پیشینه نشان می‌دهد که آبستراکسیون در ایران دارای سیر تکاملی بوده است: از شکل‌های خام و غیرنهادینه (مانند ترک ساده جلسه در دوره مشروطه) به ابزارهای پیچیده و آیین‌نامه‌محور (مانند استفاده هدفمند از پیشنهادها اصلاحی، ارجاع به کمیسیون و نطق‌های بلند در دوره جمهوری اسلامی). همچنین، انگیزه‌ها نیز متنوع شده‌اند: از اعتراض صرف ایدئولوژیک تا چانه‌زنی تاکتیکی برای گرفتن امتیاز و تعدیل‌گری درون‌جناحی. این سیر تکاملی، لزوم تحلیل دقیق‌تر این پدیده را با توجه به مبانی فقهی (که می‌تواند هم مشروعیت بخش باشد و هم محدودکننده) و چارچوب حقوقی قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس نشان می‌دهد.

۳. انواع آبستراکسیون

فیلیباستر^۱: نوع خاصی از آبستراکسیون است که در آن نماینده با سخنرانی طولانی و ممتد، مانع از رأی گیری می شود (Binder, 1997, p. 15). تمام فیلیباسترها آبستراکسیون هستند، اما همه آبستراکسیون ها مبتنی بر سخنرانی نیستند. مثلاً غیبت سازمان یافته یک نوع آبستراکسیون غیر کلامی است.

بایکوت^۲: بایکوت پارلمانی به معنای امتناع کامل یک فراکسیون از حضور در جلسات برای مدتی مشخص است. این نیز نوعی آبستراکسیون با دامنه ای گسترده تر است. در بایکوت، هدف معمولاً فلج سازی کلی مجلس است، در حالی که آبستراکسیون می تواند معطوف به یک طرح خاص باشد.

حق رأی مخالف: رأی منفی یک نماینده در برابر یک لایحه، یک حق قانونی و مشروع است و هیچ گاه آبستراکسیون محسوب نمی شود (Smith, 2020, p. 89). تفاوت در این است که رأی مخالف، فرآیند تصمیم گیری را مختل نمی کند، تنها نتیجه را تغییر می دهد، در حالی که آبستراکسیون به خود فرآیند حمله می کند.

انصراف از رأی: انصراف فردی نیز که به دلایل شخصی انجام گیرد، آبستراکسیون نیست مگر آنکه به شکل سازمان یافته و با هدف ضربه زدن به حد نصاب انجام شود. اخلاف در نظم جلسه: اقداماتی مانند فریاد زدن، پرتاب اشیاء، درگیری فیزیکی و... که در آیین نامه داخلی مجلس (مواد ۷۱-۷۷) جرم انضباطی محسوب می شوند، از نظر شکلی غیرقانونی هستند، برخلاف آبستراکسیون که در چارچوب مقررات انجام می شود (آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۹۰: ماده ۷۱).

تعریف و تشخیص دقیق آبستراکسیون هم مرز میان اعتراض مشروع و اخلاف نامشروع را روشن می کند (Binder, 1997, p. 21) هم زمینه را برای بررسی در چارچوب فقه و حقوق ایران فراهم می آورد؛ زیرا فقها معمولاً اعمالی را که در چارچوب قوانین

1. Filibuster
2. Boycott

موضوعه انجام می‌شود، در ظاهر مجاز می‌شمارند مگر آنکه به قاعده‌ای قطعی شرعی برخورد کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۸۷)؛ بنابراین، آبستراکسیون به دلیل قانونی بودن ظاهری وضعیت پیچیده‌ای در فقه می‌یابد که در ادامه به تفصیل بررسی خواهد شد. دسته‌بندی آبستراکسیون از آن جهت اهمیت دارد که حکم فقهی و حقوقی هر نوع می‌تواند متفاوت باشد. مشروعیت یا عدم مشروعیت آبستراکسیون تابع نوع، هدف و میزان اختلال آن است.

۴. مبانی فقهی مشروعیت آبستراکسیون

در نظام جمهوری اسلامی ایران نماینده مجلس، وکیل مردم و امین شرع است. او از یک سو در برابر ملت مسئول است و باید براساس مصلحت عمومی گام بردارد و از سوی دیگر در پیشگاه خداوند تکلیف دارد که با عنایت به دستورات الهی در جهت مصلحت عمومی رأی و نظر خود را ارائه کند. مبحثی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا نماینده می‌تواند برای دفاع از رأی و نظر خود، که با عنایت به مسائل شرعی و قانونی مصلحت شرعی و ملی می‌داند، از ابزارهایی بهره بگیرد تا باعث شود تصویب رأی و نظر اکثریت مجلس مختل شود یا از تصویب با روش‌های مختلف جلوگیری کند؟ آیا فقه امامیه چنین عملی را اجازه می‌دهد؟ میزان اعمال و تشخیص آن چگونه خواهد بود؟ به صورت کلی برای بررسی دقیق‌تر و علمی‌تر، بهتر است با توجه به نظرات فقها و قواعد فقهی این مسئله را به دو صورت بررسی کنیم اول مشروعیت اعمال آبستراکسیون دوم عدم جواز نماینده برای اعمال آبستراکسیون تا بتوان براساس آن یک چارچوب برای اعمال این عمل توسط نماینده ارائه دهیم.

۴-۱. ادله فقهی مشروعیت بخش آبستراکسیون

۴-۱-۱. امر به معروف و نهی از منکر به مثابه حق و تکلیف

یکی از مهمترین مبانی فقهی که می‌تواند اقدامات آبستراکسیونی نماینده مجلس را

توجیه کند، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. این فریضه، با استناد به آیات قرآن (مانند آیه ۱۰۴ سوره آل عمران و آیه ۱۱۰ همان سوره) و روایات متواتر (از جمله حدیث مشهور «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ...») در فقه امامیه به عنوان یک تکلیف شرعی ثابت شده است (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۸۷). نماینده مجلس، به دلیل جایگاه عمومی و مسئولیت قانونی خود، در مقام یک آمر به معروف و ناهی از منکر قرار دارد. هنگامی که لایحه یا طرحی در مجلس مطرح می شود که به باور نماینده، منکر شرعی (مانند مخالفت با احکام اسلام) یا منکر عقلایی (مانند خلاف مصلحت عمومی) است، تکلیف شرعی او ایجاب می کند که نه تنها با رأی مخالف، بلکه در صورت لزوم با استفاده از سایر ابزارهای پارلمانی (نطق اعتراضی، تحریم جلسات، پیشنهادهای اصلاحی متعدد) مانع از تصویب آن شود. در اینجا، آبستراکسیون نه یک اقدام سیاسی صرف، بلکه مصداق عملی نهی از منکر است.

نماینده در اینجا دو وظیفه مهم دارد:

۱. تشخیص منکر: او باید با استناد به منابع شرعی (کتاب، سنت، عقل، اجماع) و همچنین معیارهای مصلحت عمومی، منکر بودن یک طرح یا لایحه را احراز کند.
۲. اقدام به نهی: پس از تشخیص، باید با رعایت مراتب نهی از منکر (ابتدا با زبان، سپس با اقدام پارلمانی) وارد عمل شود.

پرسش مهم این است که مرجع تشخیص منکر کیست؟ در نظام جمهوری اسلامی، اگرچه شورای نگهبان به عنوان ناظر شرعی بر قوانین عمل می کند، اما این نظارت، پس از تصویب مجلس انجام می گیرد. نماینده در حین فرآیند قانونگذاری، خود باید براساس دانش فقهی و کارشناسی خود، نسبت به منکر بودن یا نبودن یک موضوع قضاوت کند. البته او می تواند از نظرات مراجع تقلید یا کارشناسان فقهی نیز بهره گیرد، اما در نهایت، مسئولیت شرعی تشخیص بر عهده خود اوست (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴).

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، هرچند مبنای محکمی برای توجیه اقدامات آبستراکسیونی نماینده است، اما در فقه امامیه مطلق و بی قید نیست. این فریضه مشروط به شرایطی است که از جمله آنها احتمال اثرگذاری مثبت و عدم وجود مفسده است

(خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، صص ۲۸۷-۲۹۰؛ نراقی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۳۰) (مانند تضعیف نظام یا تعطیلی مجلس). بدین ترتیب، نماینده نمی‌تواند تنها با استناد به تکلیف شرعی، به هر نوع آبستراکسیون از جمله اخلال فیزیکی یا تحریم کامل و پیوسته جلسات مبادرت ورزد. این محدودیت‌ها نشان می‌دهد که مشروعیت آبستراکسیون، امری پلکانی و مشروط است و مقدمه ورود به بخش دوم بحث، یعنی ادله عدم مشروعیت را فراهم می‌آورد.

۴-۱-۲. قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل که مستند به آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) است، یکی دیگر از مبانی مهم برای توجیه اقدامات آبستراکسیونی نماینده مجلس به شمار می‌رود. براساس این قاعده، هیچ سلطه‌ای برای غیرمؤمنان بر مؤمنان جایز نیست (محقق اردبیلی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۵۴۰). در حوزه قانونگذاری، اگر لایحه یا طرحی در مجلس مطرح شود که به باور نماینده، مصالح ملی و اسلامی را تضعیف می‌کند یا منجر به سلطه بیگانگان (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) می‌شود، تکلیف شرعی نماینده براساس این قاعده، مقاومت در برابر آن است. نماینده با تشخیص اینکه یک طرح، مصداق سلطه بیگانه بر کشور است، نه تنها حق، بلکه تکلیف شرعی دارد تا با استفاده از ابزارهای پارلمانی موجود، از تصویب آن جلوگیری کند. در اینجا، آبستراکسیون (مانند ارائه پیشنهادهای اصلاحی متعدد، نطق‌های طولانی یا حتی تحریم محدود جلسات) می‌تواند به عنوان اقدام دفاعی در برابر تهدید خارجی توجیه شود. وظیفه نماینده در اینجا، شناسایی مصادیق سبیل در لوایح و طرح‌هاست. تشخیص این امر، عمدتاً مبتنی بر کارشناسی‌های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی است که نماینده از طریق کمیسیون‌های تخصصی یا نهادهای ذیصلاح (مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شورای عالی امنیت ملی) دریافت می‌کند. البته در نهایت، مسئولیت نهایی تشخیص با خود نماینده است و او نمی‌تواند تنها با استناد به نظر اکثریت، از تکلیف شرعی خود شانه خالی کند.

قاعده نفی سبیل نیز، در فقه امامیه مطلق و بی‌قید نیست. این قاعده مشروط به

شرایطی است: نخست، احراز قوی از تحقق سلطه بیگانگان در موضوع مورد نظر؛ دوم، تناسب میان اقدام آبستراکسیونی و میزان تهدید خارجی؛ و سوم، فقدان راهکار جایگزین مؤثر قانونی (مانند ارجاع به شورای عالی امنیت ملی یا مجمع تشخیص مصلحت نظام) پیش از توسل به اقدامات سخت‌تر (محقق اردبیلی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۵۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۵)؛ بنابراین، نماینده نمی‌تواند تنها با استناد به قاعده نفی سبیل و بدون رعایت مراحل فوق، به هرگونه عمل آبستراکسیونی از جمله تحریم کامل جلسات یا اخلال فیزیکی مبادرت ورزد. این محدودیت‌ها نیز، نشان‌دهنده آن است که مشروعیت آبستراکسیون در فقه امامیه امری پلکانی و مشروط است.

۴-۱-۳. قاعده نفی حرج

قاعده نفی حرج یکی از قواعد مسلم فقهی است که مستند به آیه شریفه «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج، ۷۸) و روایات متعدد می‌باشد. مفاد این قاعده آن است که هر حکم شرعی که موجب حرج و مشقت شدید بر مکلف یا جامعه شود، در شرع مقدس برداشته شده است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۶۰). این قاعده نه تنها محدودکننده نیست، بلکه می‌تواند مبنای مشروعیت برای اقدامات آبستراکسیونی نماینده قرار گیرد. نماینده مجلس گاهی در موقعیتی قرار می‌گیرد که حرج شدید بر او یا جامعه تحمیل می‌شود. برای مثال: اگر لایحه‌ای در دست تصویب باشد که به بحران اقتصادی یا تضعیف هویت اسلامی منجر می‌شود، نماینده با سکوت و عدم اقدام، خود را در حرج شرعی می‌بیند زیرا نمی‌تواند در برابر آنچه مخالف شرع و مصلحت می‌داند سکوت کند. در چنین وضعیتی، ادله وجوب امر به معروف به تنهایی ممکن است کافی نباشد، اما قاعده نفی حرج به او اجازه می‌دهد تا با ابزارهای پارلمانی از رویارویی با آن حرج‌رهایی یابد. به این ترتیب، آبستراکسیون به عنوان راهکاری برای دفع حرج از نماینده و جامعه مشروعیت می‌یابد. نماینده می‌تواند استدلال کند که اگر نتواند از تصویب طرح مضر جلوگیری کند، حرج شدیدی بر او و ملت وارد می‌شود و شرع چنین حرجی را برنمی‌تابد. وظیفه نماینده در اینجا تشخیص مصداق حرج است. او باید

با استفاده از کارشناسی‌های تخصصی و مشورت با نهادهای ذی‌صلاح، احراز کند که سکوت در برابر آن لایحه یا طرح، واقعاً به حرج می‌انجامد. تشخیص نهایی با خود نماینده است اما نمی‌تواند به حرج‌های شخصی و خُرد استناد کند؛ حرج باید عقلایی و عمومی باشد.

قاعده نفی حرج، هرچند مبنای محکمی برای جواز اقدامات آبستراکسیونی نماینده در برابر تکالیف حرجی آور است، اما در فقه امامیه مطلق نیست. این قاعده مشروط به عقلایی و عمومی بودن حرج، عدم امکان رفع حرج از راه‌های دیگر و عدم ایجاد حرج بزرگتر در نتیجه اقدام است. در نتیجه، نماینده نمی‌تواند تنها با استناد به مشقت شخصی یا سلیقه‌ای، مجلس را به تعطیلی بکشانند یا فرآیند قانونگذاری را مختل کند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، صص ۵۶۰-۵۶۵). این محدودیت‌ها نشان می‌دهد که مشروعیت آبستراکسیون مبتنی بر نفی حرج نیز پلکانی و مشروط است.

۴-۱-۴. قاعده دفع افسد به فاسد

قاعده دفع افسد به فاسد یا ارتکاب أخف المفسدین یکی دیگر از قواعد فقهی است که می‌تواند به‌عنوان مبنای مشروعیت‌بخش برای اقدامات آبستراکسیونی عمل کند. این قاعده مقرر می‌دارد که در صورت تراحم دو مفسده و عدم امکان اجتناب از هر دو، باید کم‌ضررترین گزینه انتخاب شود (نراقی، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۲۳۵). طبق قاعده دفع افسد به فاسد، نماینده مجاز است مفسده کوچکتر (یعنی اقدام آبستراکسیونی) را به‌منظور دفع مفسده بزرگتر (تصویب طرح مضر) انتخاب کند. در این صورت، آبستراکسیون نه یک عمل ناروا، بلکه تکلیفی شرعی برای جلوگیری از فساد بزرگتر به شمار می‌رود.

قاعده دفع افسد به فاسد، اگرچه توجیه‌گر اقدامات آبستراکسیونی در موارد تراحم مفسدین است، اما در فقه امامیه بدون ضابطه و مطلق نیست. این قاعده مشروط به سنجش دقیق و مستدل دو مفسده، احراز برتری قطعی مفسده طرح بر مفسده اقدام و رعایت اصل تناسب میان شدت عمل و میزان خطر است؛ بنابراین، نماینده نمی‌تواند با

استناد صرف به افسد بودن طرح، دست به اخلال فیزیکی یا تحریم کامل و نامحدود جلسات بزند (نراقی، ۱۳۷۷ق، ج ۱، صص ۲۳۵-۲۴۰). این محدودیت‌ها نیز همچون دیگر ادله، نشان‌دهنده آن است که مشروعیت آبستراکسیون در فقه امامیه امری پلکانی و مشروط است.

۵. ادله فقهی عدم مشروعیت آبستراکسیون

۵-۱. قاعده لاضرر

قاعده «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَام» از قواعد مسلم فقه امامیه است که مستند به حدیث نبوی معروف و نیز آیه شریفه «وَلَا تُضَارُّوا وَالِدَةَ بَوْلِدِهَا» (بقره، ۲۳۳) است. این قاعده نفی هرگونه حکم یا فعلی است که مستلزم ضرر غیرمتعارف باشد. فقها در تبیین این قاعده گفته‌اند: هرگاه امری دائر شود بین تحمل ضرر و دفع ضرر، دفع ضرر لازم است؛ مگر اینکه ضرر بزرگتری در پی داشته باشد (شیخ انصاری، ج ۲، ص ۴۷۰).

براساس این قاعده، مشروعیت آبستراکسیون مشروط به عدم ورود ضرر مهم و عمومی است. به عبارت دیگر، این اقدام تنها در صورتی مجاز است که ضرر ناشی از سکوت و عدم اقدام (یعنی تصویب طرح غیرشرعی) به مراتب بزرگتر از ضرر ناشی از خود آبستراکسیون باشد و همچنین هیچ راه قانونی و کم‌هزینه‌تری برای جلوگیری از آن وجود نداشته باشد. در غیر این صورت، با تمسک به قاعده لاضرر، چنین اقدامی فاقد وجاهت شرعی خواهد بود (فاضل لنکرانی، ج ۲، ص ۸۰؛ خوئی، ج ۳، ص ۳۵۰).

۵-۲. اصل حفظ نظام و امنیت ملی

اصل حفظ نظام از ضروریات فقه سیاسی شیعه و مبتنی بر قاعده فقهی حفظ بیضه اسلام و وجوب حفظ نظام است. این قاعده مستند به ادله نقلی و عقلی متعددی از جمله آیه شریفه «وَأَعِذُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰) و روایات معصومین علیهم‌السلام است که بر لزوم حفظ اقتدار و استحکام نظام اسلامی تأکید دارند. فقها این قاعده را به‌عنوان یک اصل حاکم بر سایر احکام اولیه می‌دانند و معتقدند هرگاه امری دائر بین حفظ نظام و

ترک آن باشد، حفظ نظام اولویت دارد، حتی اگر مستلزم تخصیص برخی احکام اولیه باشد (امام خمینی، ج ۲، ص ۶۱۹).

براساس این قاعده، مشروعیت آبستراکسیون مشروط به عدم تعارض با حفظ نظام و امنیت ملی است. یعنی اگر احراز شود که اقدام آبستراکسیونی هرچند به قصد جلوگیری از مفسده‌ای صورت می‌گیرد، اما به تضعیف اقتدار نظام اسلامی یا اختلال در امنیت ملی می‌انجامد، چنین اقدامی به دلیل قاعده تقدیم اهم بر مهم و وجوب حفظ نظام، ممنوع است (امام خمینی، ج ۱، ص ۴۸۰).

۶. مبانی حقوقی آبستراکسیون پارلمانی در نظام حقوقی ایران

این بررسی، از دو منظر اصلی صورت می‌گیرد: قانون اساسی به عنوان عالی‌ترین سند حقوقی و آیین‌نامه داخلی مجلس به عنوان مقررات اجرایی حاکم بر رفتار نمایندگان. هدف این فصل، نشان دادن این است که چگونه نظام حقوقی ایران، ضمن به رسمیت شناختن حق اعتراض و مخالفت برای نمایندگان، چارچوب‌ها و محدودیت‌هایی برای آن تعیین کرده است که با مبانی فقهی پیش‌گفته (بویژه قاعده حفظ نظام و امر به معروف) هماهنگی دارد.

۶-۱. مبانی حقوقی در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان میثاق ملی و عالی‌ترین سند هنجاری، حقوق و تکالیف نمایندگان مجلس شورای اسلامی را تبیین کرده است. در این قانون، می‌توان هم مبانی مشروعیت‌بخش به اقدامات اعتراضی و هم مبانی محدودکننده آن را یافت. تحلیل این اصول، نشان‌دهنده وجود یک حق اعتراض پارلمانی در چارچوب قانون اساسی است که آبستراکسیون می‌تواند مشروط به رعایت حدود تعیین‌شده یکی از مصادیق آن باشد. به صورت کلی می‌توان این اصول را به ۴ دسته تقسیم کرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود: اصل آزادی نمایندگی و استقلال رأی (اصول ۸۴ و ۸۶) اصل ۸۴ (مسئولیت نماینده در برابر ملت): این اصل مقرر می‌دارد: «هر نماینده در برابر

تمام ملت مسئول است و حق دارد در مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید». این اصل دو نکته مهم را به همراه دارد:

۱. وسعت دامنه حق اظهار نظر: نماینده محدود به حوزه انتخابیه خود نیست و حق اظهار نظر در تمام مسائل کشور را دارد. این امر به او اجازه می‌دهد در مورد هر لایحه یا طرحی که آن را بر خلاف مصالح ملی یا شرع می‌داند، به صراحت موضع‌گیری کند.
۲. مسئولیت در برابر ملت: مسئولیت نماینده در برابر ملت، نه در برابر یک حزب، جناح یا مقام خاص. این اصل، استقلال رأی نماینده را تقویت می‌کند و به او اجازه می‌دهد حتی در برابر اکثریت حزبی یا فشار دولت، براساس تشخیص خود از مصالح ملت، رأی دهد. این استقلال، مبنایی برای حق اعتراض و مخالفت اوست.

اصل ۸۶ (آزادی رأی و عدم تعقیب به دلیل اظهار نظر):

این اصل یکی از مهمترین تضمین‌های حقوقی برای آزادی نماینده است: «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مجلس داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد». این اصل، که ریشه در مصونیت پارلمانی در نظام‌های حقوقی جهان دارد، دو ضمانت اجرایی حیاتی فراهم می‌کند:

۱. عدم تعقیب قضایی: هیچ نماینده‌ای را نمی‌توان به دلیل نطق، اظهار نظر یا رأیی که در صحن مجلس یا کمیسیون‌ها داده است، تحت تعقیب کیفری یا انتظامی (خارج از آیین‌نامه داخلی) قرار داد.

۲. آزادی در رأی: رأی نماینده از هرگونه اکراه و فشاری مصون است و او می‌تواند به هر نحوی که صلاح می‌داند، به طرح‌ها و لوایح رأی مثبت، منفی یا ممتنع دهد.

این اصل، بستر حقوقی اصلی برای مشروعیت آبستر اکسیون از نوع تحریم رأی‌گیری (عدم حضور در رأی‌گیری یا رأی ممتنع) و نطق‌های انتقادی (به عنوان مصداق اظهار نظر) است. اگر نماینده‌ای به این نتیجه برسد که لایحه‌ای خلاف مصالح ملت است، می‌تواند با استناد به این اصل، از رأی مثبت دادن خودداری کرده و دلایل خود را در قالب نطق یا بیانیه اعلام کند. این اقدام، در چارچوب حق قانونی او قرار

می گیرد و مصونیت پارلمانی او را در پی دارد (قانون اساسی، اصل ۸۶؛ هاشمی، ۱۳۹۵، ص ۲۸۷).
اصل حاکمیت قانون و لزوم رعایت تشریفات (اصول ۷۱ و ۷۲) در مقابل آزادی
عمل نماینده، قانون اساسی مبانی محدودکننده‌ای نیز وضع کرده است که تضمین کننده
نظم و کارآمدی فرآیند قانونگذاری هستند.

اصل ۷۱ (اختیار وضع قانون در حدود مقرر): این اصل می گوید: «مجلس شورای
اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند». این
اصل، قدرت قانونگذاری مجلس را مقید به حدود مقرر در قانون اساسی می کند.
همچنین التزام به رعایت آیین نامه داخلی مجلس (که خود مبتنی بر اصل ۶۵ قانون
اساسی است) نیز از این محدودیت هاست؛ بنابراین، آبستراکسیون اگر به شکلی انجام
شود که ناقض صریح آیین نامه داخلی یا اصول قانون اساسی (مانند اخلاف در حق دیگر
نمایندگان برای اظهار نظر) باشد، با این اصل در تعارض قرار می گیرد.

اصل ۷۲ (عدم مغایرت قوانین با اصول و فروع دین و قانون اساسی): اصل ۷۲ تأکید
می کند: «مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام
مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد». این اصل، اگرچه ناظر به
محتوای قوانین است، اما بر رفتار نمایندگان در فرآیند تصویب نیز سایه می اندازد.
نماینده‌ای که به دلیل اعتقاد به مغایرت یک لایحه با شرع یا قانون اساسی، دست به
آبستراکسیون می زند، می تواند اقدام خود را مبتنی بر این اصل توجیه کند. در واقع، او
ادعا می کند که وظیفه دارد از تصویب قانون خلاف شرع یا قانون اساسی جلوگیری
کند. اما نکته مهم این است که تشخیص نهایی این مغایرت، طبق اصل ۹۴ قانون اساسی،
بر عهده شورای نگهبان است، نه تشخیص شخصی نماینده؛ بنابراین، نماینده نمی تواند
تنها با استناد به برداشت شخصی خود، نسبت به مغایرت یک لایحه با شرع، اقدام به
آبستراکسیون کند و مدعی مشروعیت آن شود. این اقدام تنها در صورتی توجیه حقوقی
دارد که ظن قوی یا اطمینان به مغایرت وجود داشته باشد و او در صدد جلب توجه
شورای نگهبان یا افکار عمومی برای بررسی موضوع باشد (قانون اساسی، اصول ۷۱، ۷۲ و ۹۴؛
عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ص ۴۵۶).

حق اعتراض و نظارت (اصول ۸۸، ۸۹ و ۹۰) قانون اساسی برای نمایندگان سازوکارهای نظارتی و اعتراضی متعددی پیش‌بینی کرده است که هر یک می‌توانند مبنای اشکال خاصی از آبستراکسیون (بویژه از نوع انفعالی و قانونی) قرار گیرند:

اصل ۸۸ (حق سؤال از وزیران): این اصل به هر یک از نمایندگان حق می‌دهد که از وزیران مسئول درباره وظایف آنان سؤال کند. این سؤال می‌تواند در قالب اعتراض به یک سیاست یا تخلف باشد. کثرت و تکرار سؤالات از یک وزیر، نوعی آبستراکسیون انفعالی و قانونی است که می‌تواند روند کار دولت را مختل کند.

اصل ۸۹ (حق استیضاح هیئت وزیران یا یک وزیر): استیضاح، قوی‌ترین ابزار نظارتی و اعتراضی مجلس در برابر دولت است. اگر نمایندگان طریح استیضاح ارائه دهند، جلسه علنی برای استماع دفاعیات وزیر و رأی‌گیری درباره عدم کفایت او برگزار می‌شود. کل فرآیند استیضاح و رأی‌گیری، زمان زیادی از دستور کار مجلس می‌گیرد و می‌تواند یک آبستراکسیون تاکتیکی یا اعتراضی بسیار مؤثر باشد که روند عادی قانونگذاری را متوقف می‌کند. این اصول، یک چهارچوب حقوقی کامل برای اعتراض پارلمانی فراهم می‌کنند و نشان می‌دهند که آبستراکسیون، در اشکال نرم‌تر و قانونی خود (مشکل‌آفرینی در روند تصویب از طریق سؤال، استیضاح یا تحقیق)، یک ابزار مشروع در نظام حقوقی ایران است.

در مجموع، قانون اساسی ایران از یک سو با اصول ۸۴ و ۸۶، آزادی و مصونیت نماینده برای اظهار نظر و مخالفت را تضمین کرده و از سوی دیگر، با اصول ۷۱، ۷۲، ۹ و ۱۷۷، محدودیت‌ها و مرزهای این آزادی را مشخص ساخته است؛ بنابراین، در نظام حقوقی ایران، یک حق اعتراض پارلمانی وجود دارد که در چارچوب قانون اساسی مشروعیت می‌یابد. آبستراکسیون می‌تواند یکی از روش‌های اعمال این حق باشد، اما این حق مطلق نیست و با التزام به رعایت آیین‌نامه داخلی و حفظ نظم و امنیت ملی، محدود می‌شود. این منطق حقوقی، کاملاً هماهنگ با قاعده فقهی حفظ نظام و منع اخلال است که در فصل دوم تبیین شد. قانون اساسی، حق اعتراض مدنی و پارلمانی را

با ضمانت‌های اجرایی (مصونیت) و در چارچوب مشخصی (رعایت تشریفات و حفظ اصول بنیادین) به رسمیت می‌شناسد.

۲-۶. جایگاه آستراکسیون در آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، به‌عنوان مهمترین سند هنجاری-اجرایی حاکم بر رفتار نمایندگان، عرصه‌ای است که در آن، چارچوب حقوقی انتزاعی قانون اساسی به قواعد عملی و جزئی تبدیل می‌شود. بررسی این آیین‌نامه برای شناخت جایگاه آستراکسیون حیاتی است، زیرا در آن افزون بر ابزارهای قانونی برای اعتراض و مخالفت، سازوکارهای انضباطی برای جلوگیری از اختلال در نظم جلسات نیز پیش‌بینی شده است. مهمترین مسئله‌ای که در این بخش مرود سوال است این است که آیا آیین‌نامه داخلی مجلس، آستراکسیون را به‌عنوان یک پدیده به رسمیت می‌شناسد؟ و اگر چنین است، چه اشکالی از آن را مجاز و چه اشکالی را ممنوع می‌داند؟

الف) ماهیت و جایگاه حقوقی آیین‌نامه داخلی مجلس

آیین‌نامه داخلی مجلس براساس اصل ۶۵ قانون اساسی تصویب می‌شود: «پس از افتتاح مجلس، ترتیب انتخاب هیئت رئیسه و تعداد اعضای آن و وظایف و اختیارات آنها و... و سایر وظایف و اختیارات نمایندگان و کمیسیون‌ها و تشریفات مربوط به طرح‌ها و لوایح و... به موجب آیین‌نامه داخلی مجلس خواهد بود». این آیین‌نامه، یک مقررات اجرایی با قدرت الزام‌آوری بالاست و تخلف از آن، بسته به نوع تخلف، می‌تواند از تذکر تا اخراج از جلسه یا حتی محرومیت از حقوق نمایندگی را در پی داشته باشد. به عبارت دیگر، آیین‌نامه داخلی، حدود و ثغور آزادی عمل نماینده را در صحن مجلس و کمیسیون‌ها تعیین می‌کند.

نکته مهم آن است که آیین‌نامه داخلی مجلس ایران، برخلاف برخی نظام‌های پارلمانی (مانند کنگره آمریکا)، واژه آستراکسیون را به صراحت به کار نمی‌برد و آن را به‌عنوان یک نهاد مجزا تعریف نمی‌کند. با این حال، بسیاری از مواد آن، ناظر به

رفتارهای معترضان و مخالفتی است که می‌توانند ذیل مفهوم آبستراکسیون قرار گیرند. این بدان معناست که آیین‌نامه، رویکردی ضمنی و موردی به این پدیده دارد تا رویکردی سیستماتیک و جامع (گنجی، ۱۳۷۶، ص ۴۵؛ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

ب) ابزارهای قانونی و مشروع اعتراض در آیین‌نامه

آیین‌نامه داخلی، ابزارهای متعددی را برای ابراز مخالفت و اعتراض قانونی نمایندگان در نظر گرفته است که می‌توان از آنها به‌عنوان اشکال نرم و مشروع آبستراکسیون یاد کرد:

۱. حق اخطار و تذکر (مواد ۷۵ تا ۷۸): هر یک از نمایندگان می‌توانند نسبت به روند جلسه، موضوع بررسی، یا عملکرد هیئت رئیسه، اخطار یا تذکر بدهند. این اخطارها باید مستند به آیین‌نامه یا قانون اساسی باشد و رئیس جلسه موظف است پاسخ دهد. تکرار این اخطارها می‌تواند جریان رأی‌گیری را به تأخیر اندازد و یک آبستراکسیون منفعل و قانونی ایجاد کند. اما آیین‌نامه، نماینده را از اخطار مکرر و بی‌مورد منع کرده است (ماده ۷۷)؛ بنابراین، استفاده مکرر از این حق برای مقاصد غیرجدی (مانند اخلال در کار) قابل تعقیب انتظامی است.

۲. حق نطق در موافقت و مخالفت (مواد ۸۳ تا ۸۷): در جریان بررسی هر لایحه یا طرح، به نمایندگان فرصت نطق در موافقت و مخالفت داده می‌شود. این یک حق مسلم است. نماینده‌ای که می‌خواهد رأی منفی دهد، می‌تواند با نطق خود، دلایل مخالفت را بیان کند و دیگران را نیز به مخالفت ترغیب کند. این نطق‌ها، یک آبستراکسیون زبانی و کاملاً مشروع هستند. ماده ۸۴ زمان نطق را محدود کرده است (معمولاً ۱۵ دقیقه) که از ایجاد فیلباستر (نطق طولانی برای فرسایش وقت) جلوگیری می‌کند. با این حال، در عمل، اگر هیئت رئیسه با حوصله و تسامح عمل کند، می‌توان از این محدودیت برای نطق‌های طولانی و متعدد استفاده کرد.

۳. حق رأی ممتنع و عدم حضور در رأی‌گیری (ماده ۹۰): رأی ممتنع (نه گفتن) یک حق مسلم است. همچنین نماینده می‌تواند در جلسه رأی‌گیری حاضر نشود و رأی ندهد.

این عمل (عدم حضور سازمان یافته) می تواند یک آبستراکسیون انفعالی گروهی باشد که برای جلوگیری از حد نصاب رسمیت جلسه یا جلوگیری از تصویب یک لایحه به دلیل نیافتن رأی کافی صورت می گیرد. آیین نامه، خودداری از رأی دادن را منع نکرده، اما اگر غیبت عمدی و مکرر باشد، می تواند براساس مواد انضباطی (مانند ماده ۲۱۰) قابل پیگرد قرار گیرد.

۴. حق درخواست رأی گیری مخفی (ماده ۹۱): در برخی موارد خاص، نمایندگان می توانند درخواست رأی گیری مخفی کنند. این کار می تواند روند رأی گیری را طولانی تر کند و در برخی موارد، نوعی مانع تراشی محسوب شود، اما در چارچوب قانونی مجاز است.

این ابزارها، ساختار حقوقی مشروع برای آبستراکسیون نرم را فراهم می کنند. در این چارچوب، نماینده می تواند از رأی خود به عنوان یک سلاح استفاده کند و روند تصویب را به تأخیر اندازد یا تغییر دهد، بدون آنکه با قانون درگیر شود (ذوالفقاریان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲).

ج) محدودیت ها و ممنوعیت های صریح در آیین نامه

در مقابل ابزارهای مشروع، آیین نامه داخلی محدودیت های صریحی نیز وضع کرده است که هر شکلی از آبستراکسیون که فراتر از آنها رود را غیرقانونی و قابل مجازات انتظامی اعلام می کند:

۱. ممنوعیت ایجاد اختلال در نظم جلسه (ماده ۱۴۵): این ماده کلیدی است: «ایجاد اختلال در نظم جلسه از قبیل سر و صدا، فریاد، جنجال و یا هر اقدام دیگری که موجب اختلال در نظم جلسه و حسن جریان مذاکرات گردد ممنوع است». این ماده، هرگونه اقدام فیزیکی یا لفظی که روند عادی جلسه را مختل کند، ممنوع اعلام کرده است؛ بنابراین، آبستراکسیون فعال (مانند فریاد زدن، سد کردن راه، یا بلند شدن بی موقع) قطعاً در شمول این ماده قرار می گیرد و برای آن مجازات (از تذکر تا اخراج از جلسه) پیش بینی شده است.

۲. ممنوعیت ترک جلسه بدون عذر (ماده ۱۴۶): هرچند نماینده حق عدم حضور دارد، اما ماده ۱۴۶ مقرر داشته: «ترک جلسه بدون عذر موجب ممنوع است و هیئت رئیسه می تواند مراتب را به کمیسیون تحقیق و نظارت ارجاع دهد». این ماده، تحریم سازمان یافته جلسات را به چالش می کشد. اگر گروهی از نمایندگان به صورت هماهنگ و بدون عذر موجب جلسات را ترک کنند، این عمل می تواند مصداق تخلف انتظامی تلقی شود و برای آنها اخطار یا محرومیت های موقتی در پی داشته باشد. اما تشخیص عذر موجب با هیئت رئیسه و کمیسیون تحقیق است و این جایی است که تنش حقوقی رخ می دهد.

۳. محدودیت در زمان و تعداد نطق (مواد ۸۴ و ۸۵): این محدودیت ها جلوی فلیباستر نامحدود را می گیرد. در صورتی که نماینده ای بخواهد با نطق های طولانی و مکرر، زمان را به گونه ای مصرف کند که رأی گیری عملاً امکان پذیر نباشد، هیئت رئیسه می تواند به استناد این مواد، نطق او را قطع کند. این اقدام هیئت رئیسه، خود یک اقدام متقابل برای جلوگیری از آبستراکسیون مختل کننده است.

۴. ممنوعیت استفاده از تریبون مجلس برای اهداف غیرقانونی (ماده ۱۴۷): این ماده مقرر می دارد که نماینده نمی تواند از تریبون مجلس برای تبلیغ علیه نظام، توهین به مقدسات یا تهمت به اشخاص استفاده کند. اگر نطق انتقادی به این مرزها برسد و به عنوان وسیله ای برای آبستراکسیون تخریبی به کار رود، مشمول مجازات خواهد شد.

۵. لزوم رعایت ترتیب و نوبت (مواد ۸۳ و ۸۴): نمایندگان موظفند برای سخنرانی ثبت نام کرده و در نوبت خود سخن بگویند. هرگونه سخنرانی خارج از نوبت (به قصد ایجاد اخلال) ممنوع است.

د) ابهام و خلأ قانونی در برخورد با آبستراکسیون سیستماتیک

یکی از چالش های اساسی آیین نامه داخلی، نبود تعریف روشن و ضوابط مشخص برای برخورد با آبستراکسیون سیستماتیک است. آیین نامه، موارد جزئی (مانند جنجال

در جلسه، توهین و...) را پیش‌بینی کرده، اما ابهام در پاسخ به این پرسش‌ها وجود دارد: آیا تحریم دسته‌جمعی و هماهنگ یک کمیسیون (مثلاً عدم حضور نیمی از اعضای کمیسیون برای جلوگیری از رأی‌گیری) یک تخلف انتظامی است؟ ماده ۱۴۶ آن را ممنوع کرده، اما عذر موجه چیست؟ اگر نمایندگان این اقدام را اعتراض سیاسی بدانند، آیا این عذر موجه تلقی می‌شود؟

آیا درخواست مکرر و سیستماتیک رأی‌گیری مخفی (برای طولانی کردن فرآیند) یک آبستراکسیون غیرقانونی است؟ آیین‌نامه صراحتاً آن را منع نکرده، اما اگر به قصد اخلال باشد، ماده ۱۴۵ می‌تواند شامل آن شود

آیا ارائه تعداد زیادی طرح و پیشنهاد اصلاحی (به قصد به بن‌بست کشاندن کمیسیون) به نوعی ابزار مشروع نماینده است یا یک آبستراکسیون مختل‌کننده به شمار می‌رود؟ این خلأهای قانونی، به هیئت رئیسه مجلس و کمیسیون تحقیق و نظارت، اختیار تفسیر گسترده می‌دهد. این اختیار، هم می‌تواند به نفع مشروعیت آبستراکسیون (تفسیر موسع از حق اعتراض) باشد و هم به نفع محدودیت آن (تفسیر مضیق و سرکوبگرانه). این عدم قطعیت، یکی از عوامل تنش‌های سیاسی در مجلس است. مرکز پژوهش‌های مجلس بارها پیشنهاد اصلاح آیین‌نامه و شفاف‌سازی در این زمینه را داده، اما تاکنون این اصلاحات به سرانجام نرسیده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸، ص ۳۴).

۷. نظریه برگزیده

نظریه مشروعیت پلکانی بر چهار مفروض بنیادین استوار است که هر یک از مبانی فقهی یا حقوقی پیش‌گفته استخراج شده‌اند: اعتراض پارلمانی یک حق مسلم است. این حق از اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی (آزادی نماینده و مصونیت پارلمانی) و نیز از قاعده فقهی امر به معروف و نهی از منکر (به‌عنوان یک حق و تکلیف شرعی) سرچشمه می‌گیرد (جعفری، ۱۳۶۸، ص ۴۵). نماینده‌ای که در برابر لایحه‌ای که آن را خلاف شرع، قانون اساسی یا مصالح ملی می‌داند، سکوت نکند، بلکه با استفاده از ابزارهای قانونی (نطق، رأی مخالف، سؤال، استیضاح) به ابراز مخالفت بپردازد، در حال اعمال یک حق مشروع

است. این حق، جزء ذاتی نمایندگی پارلمانی در یک نظام مردم‌سالار دینی به شمار می‌رود. فرض دوم: این حق مطلق نیست و با تکلیف به حفظ نظام محدود می‌شود. هر حقی در نظام حقوقی و فقهی ایران، محدود به حدود شرعی و قانونی است. حق اعتراض نماینده نیز از این قاعده مستثنا نیست. قاعده فقهی حفظ نظام و منع اخلال در نظام و اصول ۹ و ۷۱ قانون اساسی به وضوح بر لزوم حفظ نظم عمومی و عدم ایجاد اختلال در فرآیند قانونگذاری تأکید دارند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۸۷)؛ بنابراین، اگر آبستراکسیون به نقطه‌ای برسد که نظم جلسه را مختل کند، امنیت ملی را به خطر بیندازد یا منجر به فلج شدن کامل نظام قانونگذاری شود، از محدوده حق فراتر رفته و به یک اقدام نامشروع تبدیل می‌شود. فرض سوم: میان این حق و تکلیف، تراحم دائمی وجود دارد. در عمل، نماینده معترض همواره با یک تراحم مواجه است: از یک سو، تکلیف دارد در برابر آنچه خلاف می‌داند، سکوت نکند و اعتراض کند (امر به معروف)؛ از سوی دیگر، تکلیف دارد که مانع از نظم و کارایی نظام قانونگذاری نشود (حفظ نظام). این تراحم، هسته مرکزی نظریه مشروعیت مشروط پلکانی را تشکیل می‌دهد. راه حل این تراحم در فقه شیعه (بویژه در قاعده دفع افسد به فاسد و قاعده نفی حرج) و در حقوق ایران (اصل تناسب و ضرورت) جستجو می‌شود (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۲۳). فرض چهارم: مشروعیت آبستراکسیون، امری پلکانی و مشروط است، نه مطلق. یعنی نمی‌توان به‌طور کلی گفت آبستراکسیون همیشه مشروع است یا همیشه نامشروع است. بلکه مشروعیت آن به عواملی چون نوع آبستراکسیون، هدف از آن، میزان تأثیر آن بر نظم، و وجود راهکارهای جایگزین بستگی دارد. به عبارت دیگر، یک طیف از مشروعیت وجود دارد که از کاملاً مشروع (مانند رأی مخالف منفرد) تا کاملاً نامشروع (مانند اخلال فیزیکی سازمان‌یافته برای توقف همیشگی کار مجلس) در نوسان است.

۷-۱. مبانی نظریه در فقه و حقوق ایران

نظریه مشروعیت مشروط پلکانی، تنها یک الگوی انتزاعی نیست، بلکه ریشه در

مبانی فقهی و حقوقی دارد که در فصول دوم و سوم تشریح شد. هر پله از این نظریه، پیوندی مستقیم با یک قاعده فقهی و یک اصل حقوقی دارد که در ادامه توضیح داده می‌شود. پله اول (آبستراکسیون نرم و قانونی) از نظر فقهی مبتنی بر قاعده امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه زبانی و نیز قاعده نفی حرج است که اعتراض را تسهیل می‌کند (جعفری، ۱۳۶۸، ص ۶۰). از نظر حقوقی، این پله ریشه در اصل ۸۴ قانون اساسی (مسئولیت نماینده در برابر ملت) و اصل ۸۶ (آزادی رأی و مصونیت پارلمانی) دارد و در آیین‌نامه داخلی به صورت حق نطق، رأی مخالف و طرح اخطار به رسمیت شناخته شده است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۵). پله دوم (آبستراکسیون تاکتیکی و نیمه‌دشوار) از نظر فقهی براساس قاعده دفع افسد به فاسد توجیه می‌شود؛ بدین معنا که در شرایط تزاحم میان اعتراض و نظم، اگر مفسده اعتراض کمتر از مفسده سکوت باشد، می‌توان به طور موقت و مشروط از ابزارهای سخت‌تر استفاده کرد (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۳۰). همچنین قاعده حفظ نظام در اینجا به عنوان یک محدودیت عمل می‌کند: تا زمانی که اخلال جدی ایجاد نشود، اعتراض مجاز است (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۸۸). از نظر حقوقی، اصل ۷۱ (قانونگذاری در حدود مقرر) و اصل ۹ (حفظ وحدت و عدم تجزیه کشور) چارچوب این پله را تعیین می‌کنند و ماده ۱۴۶ آیین‌نامه (منع ترک جلسه بدون عذر موجه) مرز میان پله دوم و سوم را مشخص می‌کند. پله سوم (آبستراکسیون سخت و اخلال‌گرانه) از نظر فقهی با قاعده حفظ نظام به عنوان یک قاعده مقدم و حاکم بر همه قواعد دیگر مواجه است. هرگاه اعتراض به حدی برسد که نظام قانونگذاری را به خطر بیندازد، قاعده منع اخلال در نظام و قاعده لاضرر وارد عمل می‌شوند و هرگونه توجیه فقهی برای ادامه اعتراض را باطل می‌کنند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۹۵). از نظر حقوقی، مواد ۱۴۵ و ۱۴۷ آیین‌نامه (اخلال در نظم و استفاده از تربیون برای مقاصد ممنوع) و اصل ۹ قانون اساسی (عدم جواز هرگونه اقدام که منجر به تجزیه یا اختلال در نظم کشور شود) این پله را به طور مطلق ممنوع اعلام کرده‌اند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۰). همچنین نظارت شورای نگهبان (اصل ۹۴) می‌تواند در صورت بروز اختلال، به عنوان یک نهاد بیرونی مداخله کند. به این ترتیب، هر پله از نظریه، ریشه در یک قاعده فقهی خاص دارد و در

مقابل، یک اصل حقوقی یا ماده آیین‌نامه‌ای آن را تحدید می‌کند. نظریه مشروعیت مشروط پلکانی، حاصل جمع و تعامل این دو دسته از مبانی است.

نظریه مشروعیت مشروط پلکانی، از یک سو میان دو افراط (آزادی مطلق و نظم محض) راه میانه را انتخاب می‌کند و از سوی دیگر، برخلاف نظریه بدیل‌های نهادی، برای شرایط فعلی نیز حکم مشخصی دارد. این نظریه با تلفیق مبانی فقهی و حقوقی، چارچوبی انعطاف‌پذیر و در عین حال منسجم برای داوری درباره موارد عینی ارائه می‌دهد.

۲-۷. نقد درونی و محدودیت‌های نظریه

هیچ نظریه‌ای کامل نیست و نظریه حاضر نیز با محدودیت‌هایی مواجه است. در ادامه، مهمترین نقدهای وارد بر آن بررسی می‌شوند:

۱-۲-۷. مشکل تمایز میان پله دوم و سوم

مرز میان آبستراکسیون نیمه‌سخت (پله دوم) و اخلال‌گرانه (پله سوم) در برخی موارد مبهم است. برای مثال، تحریم جلسات تا چه مدتی پله دوم به شمار می‌رود و از چه نقطه‌ای به پله سوم تبدیل می‌شود؟ آیا یک جلسه تحریم هنوز مشروع است اما سه جلسه متوالی نامشروع؟ این ابهام می‌تواند به سوءاستفاده سیاسی بینجامد.

برای رفع این ابهام، پیشنهاد می‌شود که آیین‌نامه داخلی شاخص‌های کمی و کیفی مشخصی برای تشخیص مرز پله‌ها تعیین کند. برای مثال، تحریم جلسات تا سقف دو جلسه متوالی پله دوم محسوب شود و بیش از آن پله سوم. همچنین نطق خارج از زمان مجاز تا ۳۰ دقیقه اضافه پله دوم باشد و بیش از آن پله سوم. این شاخص‌ها باید با نظر هیئت رئیسه و کمیسیون تحقیق در هر دوره تعیین شوند.

۲-۲-۷. آسیب در برابر فشار اکثریت

اکثریت مجلس می‌تواند با توسل به نظریه، آبستراکسیون مخالفان را به راحتی در پله

سوم قرار داده و آن را سرکوب کند. این خطر بویژه در مجالسی که اکثریت قاطع دارد (مانند مجلس یازدهم) جدی است.

نظریه حاضر برای کاهش این خطر، شروط عینی (مانند میزان اختلال، وجود راهکار جایگزین) را مطرح می‌کند که تصمیم‌گیری را از سلیقه اکثریت خارج می‌کند. همچنین، کمیسیون تحقیق و نظارت باید ترکیبی از نمایندگان موافق و مخالف داشته باشد تا تصمیمات آن عادلانه باشد. در نهایت، شورای نگهبان می‌تواند در صورت شکایت نمایندگان مخالف، به‌عنوان یک نهاد بیرونی نظارت کند.

۷-۲-۳. عدم ضمانت اجرای عملی

نظریه، چگونگی برخورد با آبستراکسیون نامشروع را مشخص نمی‌کند. برای مثال، اگر نماینده‌ای در پله سوم قرار گیرد، چه مجازاتی باید ببیند؟ اخراج از جلسه؟ کسر حقوق؟ محرومیت از نمایندگی؟ این پرسش‌ها نیازمند پاسخ در قالب اصلاح آیین‌نامه داخلی است.

این نقد وارد است. نظریه حاضر تنها یک چارچوب تحلیلی-هنجاری ارائه می‌دهد و برای اجرای عملی، به یک نظام تنبیهات دقیق در آیین‌نامه نیاز دارد. در بخش ۷-۴ (پیشنهادات تقنینی)، راهکارهای مشخصی برای این منظور ارائه می‌شود.

۷-۲-۴. عدم توجه به متغیر بافت سیاسی

نظریه، شرایط سیاسی و اجتماعی زمان وقوع آبستراکسیون را نادیده می‌گیرد. برای مثال، در شرایط بحرانی (مانند جنگ یا تحریم شدید)، ممکن است میزان تحمل نظام نسبت به آبستراکسیون کاهش یابد.

نظریه حاضر با شرط میزان ضرر به نظم عمومی تا حدی این متغیر را لحاظ می‌کند. در شرایط بحرانی، حتی یک آبستراکسیون کوچک (پله دوم) ممکن است ضرر بزرگ به نظم عمومی وارد کند و بنابراین ناخواسته به پله سوم تبدیل شود. اما برای دقت بیشتر، می‌توان یک بند شرایط اضطراری به نظریه افزود که در آن، هیئت رئیسه می‌تواند با

رأی دوسوم اعضا، برخی اشکال آبستراکسیون را حتی در پله دوم به طور موقت ممنوع کند.

۳-۷. پیشنهادات تقنینی برای آیین نامه داخلی مجلس

نظریه مشروعیت مشروط پلکانی، برای عملیاتی شدن نیازمند اصلاحاتی در آیین نامه داخلی مجلس است. مهمترین پیشنهادات به شرح زیر است:

۱-۳-۷. تعریف رسمی آبستراکسیون و انواع آن

آیین نامه داخلی باید برای نخستین بار، تعریف رسمی از آبستراکسیون پارلمانی ارائه دهد و آن را به سه نوع تقسیم کند: آبستراکسیون قانونی (شامل رأی مخالف، ممتنع، نطق مخالف، اخطار و تذکر در چارچوب مقررات)، آبستراکسیون مشروط (شامل تحریم محدود جلسات، نطق طولانی تر از حد مجاز تا ۳۰ دقیقه اضافه، طرح پیشنهادهای اصلاحی متعدد تا سقف ۱۰ پیشنهاد برای هر لایحه)، و آبستراکسیون ممنوع (شامل اخلال فیزیکی، تحریم کامل جلسات، توهین، افترا، و اقداماتی که منجر به تعطیلی جلسه شود).

۲-۳-۷. ایجاد مکانیسم شفاف برای داوری

برای جلوگیری از سلیقه ای شدن برخورد با آبستراکسیون، باید یک کمیته داوری متشکل از نمایندگان موافق و مخالف (با رأی مخفی) تشکیل شود. این کمیته با اکثریت دوسوم، نوع آبستراکسیون را تشخیص می دهد. رأی این کمیته قابل شکایت در کمیسیون تحقیق و نظارت است.

۳-۳-۷. بازنگری در زمان نطق و تعداد پیشنهادهای

برای کاهش آبستراکسیون ناخواسته، می توان زمان نطق و تعداد پیشنهادهای را افزایش داد تا نمایندگان احساس نکنند باید از ابزارهای سخت تر استفاده کنند. مثلاً زمان نطق از ۱۰ دقیقه به ۱۵ دقیقه افزایش یابد و سقف پیشنهادهای اصلاحی از ۵ به ۱۰ افزایش یابد. این اصلاح، آبستراکسیون قانونی را تشویق می کند.

۷-۳-۴. تقویت کمیسیون تحقیق و نظارت

کمیسیون تحقیق باید اختیارات بیشتری برای رسیدگی به شکایات نمایندگان درباره برخورد ناعادلانه هیئت رئیسه داشته باشد. همچنین، ترکیب آن باید به گونه‌ای باشد که نمایندگان اقلیت نیز در آن حضور داشته باشند (مثلاً حداقل یک سوم اعضا از اقلیت). به صورت کلی نظریه مشروعیت مشروط پلکانی، با تلفیق مبانی فقهی و حقوقی ایران، چارچوبی منسجم برای درک و ارزیابی پدیده آبستراکسیون پارلمانی ارائه می‌دهد. این نظریه، برخلاف دو رویکرد افراطی (آزادی مطلق و نظم محض)، مسیری میانه را پیش می‌گیرد و نشان می‌دهد که مشروعیت آبستراکسیون امری پلکانی و مشروط است: در پله اول (نرم و قانونی) کاملاً مشروع، در پله دوم (نیمه سخت) مشروط به رعایت شروط هدف، تناسب و عدم اختلال، و در پله سوم (سخت و اختلال‌گرانه) نامشروع مطلق.

این نظریه، نه تنها یک الگوی تحلیلی برای پژوهش‌های آتی است، بلکه می‌تواند به عنوان یک راهنمای عملی برای هیئت رئیسه مجلس، کمیسیون تحقیق و نظارت و حتی قوه قضاییه در برخورد با موارد عینی آبستراکسیون مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، برای عملیاتی شدن کامل، نیاز به اصلاحات آیین‌نامه‌ای (تعریف رسمی، نظام تنبیهات پلکانی، کمیته داوری) و تقویت نهادهای نظارتی (کمیسیون تحقیق) وجود دارد. در نهایت، این نظریه می‌تواند به ایجاد توازن مطلوب میان حق اعتراض نماینده و تکلیف به حفظ نظم نظام قانونگذاری کمک کند و از این راه، به ارتقای سلامت و کارآمدی مجلس شورای اسلامی بینجامد.

۸. نتیجه‌گیری

بررسی رویه قضایی و نظارتی در ایران نشان می‌دهد که نظارت بیرونی بر آبستراکسیون پارلمانی بسیار محدود و با احتیاط همراه است. شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری اگرچه به ترتیب بر محتوای قوانین و تصمیمات اداری فراقوه‌ای نظارت دارند، اما ورود آنها به حوزه رفتار پارلمانی، از جمله آبستراکسیون، به دلیل اصل استقلال قوا و

مصونیت پارلمانی با محدودیت‌های جدی مواجه است. این محدودیت اگرچه از یک سو حریم استقلال مجلس را حفظ می‌کند، از سوی دیگر عملاً عرصه‌ای را که آبستراکسیون در آن رخ می‌دهد از هرگونه نظارت بیرونی مؤثر خارج می‌سازد و همین امر ضرورت ارائه معیارهای درونی و فقهی برای سنجش مشروعیت آن را دوچندان می‌کند.

اصلی‌ترین نهاد ناظر بر رفتار نمایندگان، کمیسیون تحقیق و نظارت مجلس است؛ اما تجربه عملی نشان می‌دهد که تصمیمات این کمیسیون عمدتاً متأثر از فضای سیاسی و ترکیب اکثریت و اقلیت مجلس است و از این‌رو نمی‌تواند به تنهایی تضمین‌کننده نظارت بی‌طرفانه و مبتنی بر موازین حقوقی و فقهی باشد. در مواردی نیز که اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان بر سر یک مصوبه به بن‌بست می‌رسد و مصلحت نظام ایجاب کند، مجمع تشخیص مصلحت نظام با تشخیص مصلحت می‌تواند آن مصوبه را تأیید نماید؛ اقدامی که به معنای تأیید ضمنی عبور از اعتراض پارلمانی و اولویت نظم و مصلحت نظام بر حق اعتراض است. این وضعیت نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران در عمل، آبستراکسیون را نه به‌عنوان یک حق مطلق، بلکه به‌عنوان پدیده‌ای تلقی می‌کند که در سایه اقتضائات نظام و مصلحت عمومی قابل تحدید است.

از منظر فقهی نیز مشروعیت آبستراکسیون ذومراتب و مشروط است. قواعدی چون نفی حرج، دفع افسد به فاسد، امر به معروف و نهی از منکر و نفی سیل می‌توانند در شرایط خاص به آن مشروعیت بخشند، اما قواعد لاضرر، حفظ نظام و وفای به عهد آن را تحدید می‌کنند. بر این اساس، نه می‌توان آبستراکسیون را به‌طور مطلق مشروع دانست و نه می‌توان آن را به‌طور مطلق نامشروع شمرد؛ بلکه مشروعیت آن تابع شرایط، انگیزه‌ها و پیامدهای آن است. در نهایت، می‌توان نظریه مشروعیت پلکانی را پیشنهاد داد که براساس آن، مشروعیت آبستراکسیون بسته به میزان خطر طرح مورد اعتراض، وجود راه‌های جایگزین و میزان ضرر ناشی از اقدام، در سطوح مختلفی تعریف می‌شود. این نظریه ضمن پاسداشت حق اعتراض نمایندگان، مانع تبدیل آن به ابزاری برای کارشکنی و بی‌نظمی می‌شود و میان دو ارزش مهم حق

اعتراض و حفظ نظام، سازش معقولانه‌ای برقرار می‌کند.

در پایان، با عنایت به یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
یکم، تدوین صریح و شفاف مقررات مربوط به آبستراکسیون در آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به نحوی که هم حق اعتراض اقلیت پارلمانی تضمین شود و هم زمان‌بندی و حدود آن از پیش تعیین گردد تا از سوءاستفاده از این ابزار جلوگیری شود.
دوم، ارائه معیارهای عینی برای تمایز میان اعتراض مشروع و کارشکنی، از جمله تعیین مواردی که نماینده می‌تواند به استناد قواعد فقهی مانند نفی حرج یا دفع افسد به فاسد به آبستراکسیون متوسل شود و مواردی که این اقدام با قاعده لاضرر و حفظ نظام منافات دارد.

سوم، تقویت استقلال کمیسیون تحقیق و نظارت مجلس از طریق بازنگری در ترکیب و آیین رسیدگی آن، به گونه‌ای که تصمیمات آن کمتر تحت تأثیر ترکیب اکثریت و اقلیت و فضای سیاسی قرار گیرد.

چهارم، بهره‌گیری از ظرفیت نظریه مشروعیت پلکانی در رویه شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان مبنای داوری در اختلافات میان مجلس و سایر قوا و تعیین سطح مشروعیت رفتارهای پارلمانی.

پنجم، انجام پژوهش‌های تطبیقی در زمینه راهکارهای نظام‌های حقوقی دیگر برای مدیریت آبستراکسیون و بهره‌گیری از تجارب آنان در اصلاح مقررات داخلی مجلس، با حفظ اقتضائات نظام جمهوری اسلامی ایران.

امید است این پژوهش گامی در جهت روشن‌سازی مرزهای حقوقی و فقهی رفتارهای پارلمانی و ارائه الگویی بومی برای مدیریت تعارضات درون‌نهادی قوه مقننه باشد.

منابع

آبراهامیان، پرواند. (۱۳۸۹). ایران بین دو انقلاب (مترجم: احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی). تهران: نشر نی.

آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی. (مصوب ۱۳۹۰). تهران: مجلس شورای اسلامی.
احمدی، رضا. (۱۴۰۲). بررسی قانون عفاف و حجاب در پرتو حقوق شهروندی. حقوق عمومی، ش ۲۴

بجنوردی، سید محمد. (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه. قم: مؤسسه اسماعیلیان
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). ولایت فقیه. قم: انتشارات اسراء.
جعفری، محمد تقی. (۱۳۶۸). بررسی تطبیقی امر به معروف و نهی از منکر در اسلام و غرب. تهران: انتشارات دانشگاه تهران

جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۹). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.

حلی، ابن ادریس. (۱۴۱۳ق). السرائر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

خاطرات هاشمی رفسنجانی. (۱۳۸۶). دوران مبارزه. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

اخوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). مبانی تکمله المنهاج. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خوئی.

ذوالفقاریان، رضا. (۱۳۸۹). آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در پرتو رویه عملی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

رحیمی، سعید. (۱۳۸۵). تحلیل حقوقی لایحه اصلاح قانون مطبوعات در مجلس ششم. پژوهش‌های حقوقی: ش ۷.

رضایی زاده، محمد. (۱۳۹۱). حقوق اقلیت پارلمانی. تهران: انتشارات جنگل.

سبحانی، جعفر. (۱۴۲۸ق). التحقیق فی نفی الحرج فی الشریعه الاسلامیه. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

- سجادی، سیدعلی. (۱۳۹۶). «آبستراکسیون پارلمانی». حقوق اساسی، شماره ۲۵.
- شاهرودی، سیدمحمود. (۱۴۲۶ق). القواعد الفقهیه. قم: انتشارات مجمع الفکر الاسلامی.
- طباطبایی حکیم، سیدمحسن. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروه الوثقی. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم. (۱۴۲۱ق). العروه الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۹۸). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کسروی، احمد. (۱۳۷۸). تاریخ مشروطه ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گنجی، محمدرضا. (۱۳۷۶). آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در بونه نقد. تهران: مرکز پژوهش های مجلس.
- لنکرانی، فاضل (۱۴۱۶). القواعد الفقهیه. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- محقق اردبیلی، احمد. (۱۴۱۴ق). مجمع الفائدة البرهان فی شرح ارشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۸). نظریه سیاسی اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰). انوار الفقاهه. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ملک زاده، مهدی. (۱۳۷۱). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (ج ۵). تهران: انتشارات سخن.
- نراقی، احمد. (۱۴۲۲ق). عوائد الایام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود. (۱۳۸۲). فرهنگ فقه (ج ۱). قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی.

- 1-Binder, S. (1997). Minority Rights, Majority Rule. Cambridge University Press .
- 2-Dahl, R. (1956). A Preface to Democratic Theory. University of Chicago Press .

- 3-Partridge,E. (2006) A Short Etymological Dictionary of Modern English Routledge
- 4-Smith, S. (2020). The Politics of Parliamentary Obstruction. Oxford University Press .
- 5-Taylor, T. (1966). The History of Parliamentary Obstruction. Harvard University Press .
- 6-Wawro, G. (2006). Filibuster: Obstruction and Lawmaking in the U. S. Senate. Princeton University Press .